

سنت های ترک شده در رمضان

گفتاری از: امام محمد ناصر الدین البانی رحمه الله

برگردان به فارسی: فاروق محمدی

بسم الله الرحمن الرحيم

این نوشتار ترجمه ی یکی از سخنرانی امام محمد ناصرالدین البانی می باشد . وی در این سخنرانی درباره ی برخی از سنت های ترک شده ی رمضان سخن می گوید . شیوه ی کارم در این ترجمه بدین صورت بوده که تا جای ممکن از استفاده ی کلمات سخت پرهیز کرده ام ، برخی از سخنان تکراری و زائد و غیر مفید را حذف نموده ام ، منع احادیث و آثار ذکر شده را در پاورقی ذکر کرده ام و سعی نموده ام ساختار نوشته ، ساختار یک کتاب باشد تا پیاده سازی یک سخنرانی . در بخشی از سخنرانی شیخ البانی درباره ی دو اذان فجر سخن می گوید . یکی از سنت های ترک شده ای که سزاوار است دوباره احیا شود دو اذان فجر می باشد که متأسفانه - تا جایی که بنده اطلاع دارم - در کشور ما کلاً ترک شده است و بر اساس گفته ی شیخ در کشورهای عربی نیز فقط در ماه های رمضان انجام می گیرد . این توضیح را نوشتم که خوانندگانی که از این سنت اطلاع ندارند به هنگام رسیدن به مطالب حول این دو اذان سردرگم نشوند . در انتها نیز لازم به ذکر است که عملیات پیاده سازی این گفتار توسط کاربران سایت امام آجری انجام گرفته و بنده متن پیاده شده را به فارسی ترجمه نموده ام .

فاروق محمدی

بسم الله الرحمن الرحيم

الله تبارک و تعالی در قرآن کریم می فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) [البقره: ۱۸۳].
(ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما مقرر شده است همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود باشد که تقوا پیشه کنید) .

الله تعالی در این آیه امت محمد صلی الله علیه و سلم را به آنچه که بر پیامبرش نازل نموده است باخبر می کند ، الله تعالی در این آیه بر آنان روزه را فرض قرار داده است همانگونه که قبل از ما بر دیگر امت ها فرض قرار داده بود . این مسئله نزد همه ی مسلمانانی که این آیه را قرائت می کنند و معنای آن را کاملا واضح و روشن می فهمند کاملا واضح است ، اما موضوعی که من می خواهم درباره ی آن سخن بگویم یک موضوع دیگر است که خیلی کم مورد توجه قرار می گیرد یا افراد کمی از عوام مردم متوجه آن می شوند ، این موضوع انتهای کلام الهی می باشد: (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ = باشد که تقوا پیشه کنید) .

عادت الله تعالی با بندگان مومن اش اینگونه است که هر گاه آنها را به مسئله ای دستور می دهد یا فرضی را برایشان مقرر می کند ، فقط به ذکر موضوع مورد نظر اکتفا می کند و حکمت آن را بیان نمی کند ، چون حکمت کلی از اوامر الهی بر بندگان این می باشد که آنها را با این اوامر امتحان می کند و فرمانبرداران از نافرمانان مشخص می شوند ، اما در این آیه مسئله ای را ذکر نموده که در قرآن کم سابقه است ، و آن اینکه الله تعالی با کلام خویش: " لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ " ، سبب و حکمت روزه را بیان می کند .

پس حکمت فرض شدن روزه بر مومنان ، فقط آن نیست که از لذت ها و موارد مباح پاک خودداری کنند - اگر چه این نیز بر همه ی روزه داران فرض است - اما هدف از این روزه که الله تعالی انتهای امرش را با " لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ " به پایان رسانیده فقط این نیست .

یعنی حکمت فرض قرار گرفتن روزه آن است که مسلمان بر اطاعت از الله عز و جل در ماه روزه بیش از پیش بیفزاید و پیامبر صلی الله علیه و سلم بر این حکمت الهی تصریح نموده و آن را در کلام خویش به روشنی بیان داشته است . در صحیح بخاری از آن حضرت صلی الله علیه و سلم روایت است که فرمودند: " مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ "

" هر کس که سخن باطل و عمل به باطل را رها نکند ، پس الله نیازی به آن ندارد که وی غذا و نوشیدنی اش را ترک کند " ^۱ ؛ یعنی هدف الله عز و جل از فرض قرار دادن روزه - که خودداری از غذا و ... در یک وقت محدود و معلوم می باشد - آن نیست که این روزه داران فقط از غذا و نوشیدنی دست بکشند ، بلکه شایسته است از آنچه که الله تعالی حرام قرار داده است نیز دست بکشند - از گناهان و معاصی و همچنین سخن و عمل باطل - پس رسول صلی الله علیه و سلم بر معنای آیه تاکید می کند : " لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ " یعنی به الله نزدیکی می جوئید با خودداری از غذا و نوشیدنی و اضافه بر آن همچنین با دست کشیدن از حرام مانند غیبت یا سخن چینی و ناراستی و شهادت دروغ و دروغ و اخلاق های حرامی از این قبیل که همه ما می دانیم .

به همین خاطر لازم است که همه ی مسلمانان بدانند که شکننده های روزه فقط امور مادی معروف از قبیل غذا و نوشیدنی و جماع نیست ، روزه فقط این نیست .
به همین خاطر بعضی از علما شکننده ها را به دو گروه تقسیم می کنند و هدف من از سخن همین بود ، مخصوصا که عادت خطیبان و واعظان در ماه رمضان این است که هنگامی از شکننده های روزه سخن می گویند ، فقط از شکننده های مادی سخن به میان می آورند که قبلا ذکر کردیم از غذا و نوشیدنی و جماع ، در حالی که سزاوار است که آنها به عنوان نصیحت کننده و تذکر دهنده به عامه مسلمانان ، در مورد گروه دوم شکننده ها بسیار سخن بگویند ، چون مردم عادت کرده اند که اینگونه بفهمند که روزه فقط از نوع اول می باشد که " خودداری از شکننده های مادی می باشد " اما شکننده های دیگری نیز وجود دارند که می توانیم آنها را شکننده های معنوی بنامیم .

شما کلام نبوی را کمی قبل تر شنیدید که : " مَنْ لَمْ يَدَعْ قَوْلَ الزُّورِ وَالْعَمَلَ بِهِ فَلَيْسَ لِلَّهِ حَاجَةٌ أَنْ يَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ "

" هر کس که سخن باطل و عمل به باطل را رها نکند ، پس الله نیازی به آن ندارد که وی غذا و نوشیدنی اش را ترک کند " ، به همین خاطر سزاوار است که هر روزه دار به نفس خویش بنگرد ، که آیا روزه ی او فقط شامل خودداری از شکننده های مادی است یا آنکه از شکننده های معنوی نیز روزه است ، یعنی آیا او اخلاق و سلوکش را به هنگام ورود به ماه رمضان نیک گردانیده است ؟ ، اگر اینچنین است پس معنی سخن الله را در انتهای آیه : " لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ " محقق نموده است .
اما کسی که در روزه اش فقط به خودداری از غذا و نوشیدنی اکتفا کرده و اخلاق بدش را ، که قبل از رمضان داشته همچنان دارد ، پس این روزه آن روزه ی مورد نظری نیست که به خاطر آن (روزه) در این ماه فرض قرار داده شده است و الله تعالی در کلامش به حکمت آن اشاره می کند : " لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ "

^۱ صحیح بخاری ۱۹۰۷ ، ۶۰۵۷

به همین دلیل ما برادران مسلمان مان را نصیحت می کنیم و تذکر می دهیم که این شکننده ی معنوی را به یاد داشته باشند ، شکننده هایی که واعظان و مرشدان درباره ی آن بسیار کم سخن می گویند چه برسد به اینکه عوام مردم نسبت به این نوع از شکننده ها که شکننده های معنوی است آگاهی داشته باشند .

این مسئله ای بود که دوست داشتم برادران حاضر در این جلسه را به آن تذکر بدهم تا سببی باشد برای افزایش تقرب شان به الله تبارک و تعالی در این ماه مبارک ، ماه روزه ، که امید داریم الله عز و جل همه ی ما را برای به جا آوردن حق این ماه مبارک با خودداری از شکننده های مادی و معنوی توفیق دهد .

به همراه این سخن از شما درخواست می کنم که نسبت به اموری که برایتان عرض خواهد شد توجه کافی داشته باشید . از مواردی که اکثر مردم از عوام مسلمانان بلکه خواص آنها از آن غافل گشته اند حدیثی است که به خاطر یک حدیث دیگر مورد بی توجهی قرار می گیرد ، چون بیشتر مردم نمی توانند به هر دو حدیث عمل کنند .

این حدیث کلام آن حضرت صلی الله علیه و سلم می باشد که می فرماید : **" لا تزال أمتی بخیر ما عجلوا الفطرَ وأخروا السحور "**

" اتمم بر خیر خواهد بود تا زمانی که برای افطار عجله کنند و سحری را به تاخیر بیندازند " ^۲ . در اینجا دو مورد موجود است که توسط بیشتر مردم مورد بی توجهی قرار می گیرد ، این دو مورد عجله در افطار و به تاخیر انداختن سحر می باشد .

اما بی توجهی در مورد اول که عجله برای افطار می باشد : بعضی ها گمان می کنند که این حدیث مخالف حدیث دیگری از آن حضرت می باشد که می فرماید : **" لا تزال أمتی بخیر ما عجلوا بصلاة المغرب "**

" اتمم همچنان بر خیر خواهد بود تا زمانی که برای نماز مغرب عجله کنند " ^۳ .

پس در اینجا دو مورد وجود دارد که به عجله در هر دو مورد توصیه شده است ، بعضی ها گمان می کنند که نمی توان در هر دو مورد عجله نمود .

^۲ در صحیحین با لفظ (لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا عَجَّلُوا الْفِطْرَ) = (مردم بر خیر خواهند بود تا زمانی که در افطار عجله کنند) و لفظی که شیخ آورده با جابجایی الفاظ به روایت ابوذر در مسند احمد آمده است : (" لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَخْرُوا السَّحُورَ، وَعَجَّلُوا الْفِطْرَ ") = (اتمم بر خیر خواهند بود تا زمانی که سحری را به تأخیر بندازند و در افطار عجله کنند) و البانی در الارواء می گوید : این روایت به این شکل منکر است اما روایتی با همین مفهوم را با مجموع شواهد آن به روایت انس صحیح دانسته است با لفظ (بکروا بالافطار وأخروا السحور) = (زود افطار کنید و سحری را به تأخیر بیندازید) . مراجعه شود به تحقیق ایشان در سلسله احادیث صحیحه شماره ی ۱۷۷۳ .

^۳ با این لفظ پیدا نشد ، اما در سنن ابی داود و دیگر کتب با این لفظ موجود بود : (لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ - أَوْ قَالَ: عَلَى الْفِطْرَةِ - مَا لَمْ يُؤَخَّرُوا الْمَغْرِبَ إِلَيَّ أَنْ تَشْتَبِكَ النُّجُومُ) = (اتمم بر خیر خواهند بود - یا فرمود بر فطرت خواهند بود - تا زمانی که مغرب را تا زمان پدیدار شدن ستارگان به تأخیر نیندازند) .

عجله نمودن بر افطار به همراه عجله نمودن بر نماز مغرب بسیار ساده می باشد، و پیامبر صلی الله علیه و سلم با سخن و عمل خویش آن را نشان داده است. آن حضرت صلی الله علیه و سلم با سه عدد خرما افطار می نمودند سپس نماز مغرب را می خواندند سپس بر می گشتند و اگر نیاز به شام می داشتند، شام می خوردند. امروزه ما دو مخالفت با هم انجام می دهیم.

اولا اذان را از زمان مشروعش دیرتر می گوئیم، سپس بعد از این تاخیر تاخیر دیگری می آید و آن اینکه ما برای غذا می نشینیم - به جز تعداد کمی از مردم که نماز مغرب را در مسجد می خوانند - اما عامه مردم اولاً تا زمان شنیدن اذان تاخیر می کنند، و هنگامی که اذان را شنیدند برای غذا می نشینند انگار ناهار یا شام می خورند و افطار نمی کنند.

من با تفحص در اکثر کشورهای اسلامی متوجه شده ام که متأسفانه امروزه اذان در بسیاری از کشورهای اسلامی - و نه فقط اردن - بعد از وقت شرعی می باشد و سبب آن این است که ما چنگ زدن به احکام شرعی و عملی نمودن آنها را کنار گذاشته ایم و به حساب های فلکی اتکا کرده ایم، به آنچه که امروزه تقویم خوانده می شود متمایل شده ایم.

این تقویم ها بر اساس حساب های فلکی تنظیم شده و در آن زمین به صورت مسطح صاف فرض شده است و حساب ها بر اساس یک زمین مسطح و صاف انجام گرفته است در حالی که در کشورهای ما اینگونه نیست، یک منطقه پست و پائین است و منطقه ی دیگر بلند است و در آن کوه وجود دارد. پس ممکن نیست که وقت برای همگان یکسان باشد، برای ساحل و دشت و کوه ... نه. هر سرزمین وقت خاص خودش را دارد، به همین خاطر اگر کسی - چه در شهر باشد یا روستا - اگر توانست که غروب خورشید را با چشم خودش ببیند، هنگامی که خورشید غروب کرد پس این عجله نمودن برای افطار می باشد که رسول الله صلی الله علیه و سلم در حدیث مورد نظر به آن اشاره می کند: " لا تزال أمتی بخير ما عجلوا الفطر "

" اتمم بر خیر خواهد بود تا زمانی که در افطار عجله کنند " .

پیامبر صلی الله علیه و سلم بر مطابقت دادن این سنت به صورت تعلیمی و عملی تلاش نموده است، اما تعلیمی: در حدیثی که بخاری در صحیح خودش آورده است آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: " إِذَا أَقْبَلَ اللَّيْلُ مِنْ هَاهُنَا، وَأَدْبَرَ النَّهَارُ مِنْ هَاهُنَا، وَغَرَبَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ أَفْطَرَ الصَّائِمُ "

" هر گاه شب از این سو آمد - و به سمت شرق اشاره نمود - و روز از این سو رفت - و به غرب اشاره نمود - و خورشید غروب کرد، روزه دار افطار کند " ۴، یعنی که روزه دار می تواند افطار کند. و

بدین ترتیب حکم رسول صلی الله علیه و سلم مبنی بر عجله نمودن بر افطار انجام می گیرد. و همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را به صورت عملی در حالی که سواره و مسافر بوده است انجام

⁴ صحیح بخاری ۱۹۵۴.

داده است در صحیح بخاری آمده است که: آن حضرت صلی الله علیه و سلم به یکی از اصحابش امر نمود که برایش افطار آماده کند. صحابی گفت: ای رسول الله، روز جلوی ماست، یعنی نور آفتاب، اگر چه خورشید ناپدید شده اما همچنان نور آن از ناحیه ی غربی پدیدار است، اما آن حضرت سخنش را پس نگرفت بلکه دوباره دستورش را مبنی بر آماده کردن افطار تکرار نمود.

راوی حدیث می گوید: ما روز را از جلوی خودمان می دیدیم، یعنی نور روز، نور آفتاب، در حالی افطار نمودیم که اگر یکی از ما با شترش می رفت خورشید را می دید.⁵

خورشید از اینجا ناپدید می شود و پیامبر صلی الله علیه و سلم به یکی از اصحابش دستور می دهد تا برایش افطار را آماده کند، چرا؟، برای عجله نمودن در کار نیک، " لا تزال أمتی بخیر ما عجلوا الفطرَ "

" اتمم بر خیر خواهد بود تا زمانی که در افطار عجله کنند ".

مهم آن است که در نظر داشته باشیم که افطاری که در آن شرعا عجله می شود با چند دانه خرما می باشد، سپس عجله نمودن برای نماز، سپس بعد از آن مردم برای خوردن به مقدار لازم می نشینند، این موضوع نخست بود که دوست داشتم یادآوری کنم که عبارت است از: انجام دو امری که پیامبر صلی الله علیه و سلم به عجله نمودن در آنها امر نموده است، امر نخست: عجله نمودن برای افطار، و امر دوم: عجله نمودن برای نماز مغرب، پس افطار با چند دانه ی خرما خواهد بود چنانکه سنت است و اگر با چند دانه ی خرما میسر نبود پس با چند جرعه آب سپس نماز را به جماعت در مسجد می خوانی

امر دیگری که دوست دارم یادآوری کنم همان چیزی است که در حدیث قبلی آمد " وأخروا السحور "

" سحری را به تاخیر بیندازید ". یعنی آنچه که مطلوب است بر خلاف افطار می باشد، آن حضرت علیه السلام در مورد افطار دستور به عجله دادند اما در مورد سحری سزاوار است که تاخیر صورت

⁵ این روایت سه بار در صحیح بخاری آمده است در احادیث (۱۹۴۱، ۱۹۵۸ و ۵۲۹۷) با کمی تغییر در الفاظ که بدین صورت می باشد: (كُنَّا فِي سَفَرٍ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَلَمَّا غَرَبَتِ الشَّمْسُ، قَالَ لِرَجُلٍ: «أَنْزِلْ فَاجِدْ لِي» قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَمْسَيْتَ، ثُمَّ قَالَ: «أَنْزِلْ فَاجِدْ» قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ أَمْسَيْتَ، إِنَّ عَلَيْكَ نَهَارًا، ثُمَّ قَالَ: «أَنْزِلْ فَاجِدْ» فَنَزَلَ فَجَدَّحَ لَهُ فِي الثَّلَاثَةِ، فَشَرِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى الْمَشْرِقِ، فَقَالَ: «إِذَا رَأَيْتُمُ اللَّيْلَ قَدْ أَقْبَلَ مِنْ هَاهُنَا، فَقَدْ أَفْطَرُ الصَّائِمُ» = (با رسول الله صلی الله علیه و سلم در سفر بودیم، هنگامی که خورشید غروب کرد به یک نفر گفت: پیاده شو و آب را با آرد جو به هم بزن، گفت: ای رسول الله اگر صبر می کردید تا تاریک تر می شد (بهرتر بود) سپس فرمود: پیاده شو و آب را با آرد جو به هم بزن، گفت: ای رسول الله اگر صبر می کردید تا تاریک تر می شد (بهرتر بود) روز در جلوی تان است، سپس فرمودند: پیاده شو و آب را با آرد جو به هم بزن، دفعه ی سوم پیاده شد و آب را با آرد جو به هم زد، آن حضرت نوشید و با دست خویش به سمت مشرق اشاره نمود و فرمود: اگر شب را دیدید که از این سو می آید پس روزه دار افطار کند).

اما بخش انتهایی آن که شیخ عنوان می کند که سخن صحابی است که: (اگر یکی از ما سوار بر شتر می شد... در بخاری موجود نبود و ممکن است شیخ از یک کتاب دیگر این مطلب را نقل کرده باشد.

بگیرد و آنچه که امروزه اتفاق می افتد کاملاً خلاف این است ، چنانکه بسیاری از مردم یک ساعت قبل از طلوع سحری می خورند و این شایسته نیست و بر خلاف سنت قولی و سنت عملی می باشد .
 اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم در سحری تاخیر می کردند تا جایی که حتی صدای اذان شنیده می شد و شخص در حال خوردن بود ، بلکه از پیامبر صلی الله علیه و سلم حدیث صحیحی آمده است که در آن بیان آسان گیری اسلام آمده است که این آسان گیری جزو قواعد اسلام است و مسلمانان به آن افتخار می کنند و مخصوصاً آنچه که در مورد روزه می باشد ، تا جایی که الله عز و جل آیتانی را که در مورد روزه می باشد با این آیه به اتمام می رساند : (**يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ**) [البقرة: ۱۸۵] ، (خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد) .

یکی از این موارد آسان گیری ، کلام آن حضرت صلی الله علیه و سلم می باشد که می فرماید : " **إِذَا سَمِعَ أَحَدُكُمْ النِّدَاءَ وَالْإِنَاءَ عَلَى يَدِهِ فَلَا يَضَعُهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ مِنْهُ**"
 " اگر یکی از شما ندا را شنید و ظرف در دستش بود ، آن را بر زمین نگذارد بلکه حاجتش را از آن برآورده کند " .^۶ اگر یکی از شما ندا را شنید و ظرف - چه ظرف غذا باشد یا شیر یا آب ، هر چه که باشد - اگر اذان را شنید نگویید : اکنون غذا حرام شد ، نه ، خوردن برای کسی حرام است که از غذا دست کشیده است ، پس برای او جایز نیست که نوشیدنی یا میوه بخورد در حالی که حاجتش را از همه ی خوردنی ها بر آورده کرده است ، اما اگر اذان را شنید و هنوز حاجتش را از غذا و نوشیدنی برآورده نکرده است ، رسول الله صلی الله علیه و سلم این را برایش مباح قرار داده است با کلام خویش که آن را صراحتاً و با زبان عربی مبین بیان می کند : " **إِذَا سَمِعَ أَحَدُكُمْ النِّدَاءَ وَالْإِنَاءَ عَلَى يَدِهِ فَلَا يَضَعُهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ مِنْهُ**"

" اگر یکی از شما ندا را شنید و ظرف در دستش بود ، آن را بر زمین نگذارد بلکه حاجتش را از آن برآورده کند " . و منظور از ندا در اینجا ندای دوم می باشد ، اذان دوم و نه اذان اول که اشتباهاً آن را اذان امساک (دست کشیدن) می نامند .

لازم است که بدانیم که هیچ اصلی وجود ندارد که اذان اول را اذان امساک بنامیم ، بلکه اذان دوم اذان امساک می باشد و این صراحتاً در قرآن آمده است ، چون الله عز و جل می فرماید : (**وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ**) [البقرة: ۱۸۷] ، (بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود) .

خوردن در زمانی حرام می شود که زمان نماز صبح از آن زمان شروع می شود و هیچ فاصله ای میان این دو وجود ندارد ، چیزی با عنوان امساک (دست کشیدن) به مدت ربع ساعت یا کمتر یا بیشتر میان

^۶ ابوداود در سنن خویش (۲۳۵۰) ، احمد در مسند (۱۰۶۲۹) و حاکم در مستدرک (۷۲۹ ، ۷۴۰ ، ۱۵۵۲) آن را آورده اند و آلبانی (سلسله احادیث صحیحہ شماره ۱۳۹۴) آن را صحیح دانسته است .

شروع زمان نماز صبح و حرام شدن خوردن وجود ندارد ، چون زمان نماز با طلوع فجر صادق شروع می شود و خوردن روزه دار با طلوع فجر صادق حرام می شود و میان این دو هیچ فاصله ای وجود ندارد .

به همین دلیل در حدیث متفق علیه از عبدالله بن عمر بن خطاب رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند : **" لا یغرنکم آذان بلال فإنما یؤذن لیقوم النائم ویتسحر المتسحر فکلوا وشربوا حتی یؤذن ابن أم مکتوم "** ، **" آذان بلال شما را فریب ندهد - یعنی آذان اول - چون او آذان می گوید تا شخصی که خواب است بیدار شود و شخص سحری خورنده سحری بخورد ، بخورید و بیاشامید تا زمانی که ابن ام مکتوم آذان می گوید "** ^۷ .

اسم ابن ام مکتوم عمرو بود و شخصی نابینا بود و همان کسی است که آیات : (عَبَسَ وَتَوَلَّى (۱) أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى) [عبس: ۱-۲] ، (**چهره در هم کشید و روی گردانید (۱) که آن مرد نابینا پیش او آمد**) تا آخر آیات در حق وی نازل شد .

این همان شخصی است که آذان دوم را می گفت ، همان آذان که با آن غذا خوردن حرام می شود و زمان نماز صبح آغاز می شود . چگونه او آذان می گفت در حالی که نابینا بود ؟ . این سوالی است که طبیعتاً در ذهن بعضی از مردم می آید ، عمرو بن ام مکتوم رضی الله تعالی عنه بر بام مسجد می رفت ، او فجر را نمی دید ، اما منتظر می شد تا یکی از رهگذرانی که از آنجا می گذرند هنگامی که می بینند فجر منتشر گشته است به او بگویند : صبح شده صبح شده و در این هنگام آذان می گفت ، همانطور که می بینید آذان عمرو بن ام مکتوم بعد از طلوع فجر بود و مردم وی را می دیدند و در حال رفتن در راه ها بودند ، هنگامی که به وی گفته می شد : صبح شده ، او آذان می گفت .

پس در این امر وسعت وجود دارد ، مؤذن اذانش را به تاخیر می انداخت تا زمانی که می شنید مردم به او می گویند که صبح شده ، سپس رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرماید : **" إِذَا سَمِعَ أَحَدُكُمْ النِّدَاءَ وَالْإِنَاءَ عَلَى يَدِهِ فَلَا يَضَعُهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ مِنْهُ "**

" اگر یکی از شما ندا را شنید و ظرف در دستش بود ، آن را بر زمین نگذارد بلکه حاجتش را از آن برآورده کند " . پس راست گفت الله عز و جل هنگامی که در انتهای آیات متعلق به روزه می فرماید : (**يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ**)

⁷ این روایت در صحیحین با این لفظ آمده است : (إِنَّ بِلَالًا يُؤذِّنُ بِلَيْلٍ، فَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يُؤذِّنَ ابْنُ أُمِّ مَكْتُومٍ) = (بلال در شب آذان می گوید ، پس بخوری و بیاشامید تا زمانی که ابن ام مکتوم آذان می گوید) و آنچه که شیخ میان این روایت نقل می کند (چون او آذان می گوید تا شخصی که خواب است بیدار شود و شخص سحری خورنده سحری بخورد) احتمالاً برگرفته از این روایت صحیح مسلم باشد : (لَا يَمْنَعَنَّ أَحَدًا مِنْكُمْ أَذَانَ بِلَالٍ - أَوْ قَالَ نِدَاءَ بِلَالٍ - مِنْ سُحُورِهِ، فَإِنَّهُ يُؤذِّنُ - أَوْ قَالَ يُنَادِي - بِلَيْلٍ، لِيَرْجِعَ قَائِمَكُمْ وَيُوقِظَ نَائِمَكُمْ) = (آذان بلال - یا فرمودند ندای بلال - باعث نشود که شما از سحری خوردن دست بکشید ، چون او در شب آذان می گوید - یا فرمودند ندا می دهد - تا شخصی که تهجد می خواند آگاه شود (که فجر نزدیک است) و شخصی که خواب است بیدار شود) .

([البقرة: ۱۸۵]) ، (خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد ، تا این روزها را تکمیل کنید ، و خدا را به پاس آنکه هدایت تان کرده است به بزرگی بستاید و باشد که شکرگزاری کنید) .

پس کسی که می‌گوید : اگر روزه دار به هنگام شنیدن اذان لقمه در دهانش است باید آن را از دهانش خارج کند با این سنت مخالفت نموده است و این غلو در دین می‌باشد .

و رب العالمین در کتاب خویش و سنت پیامبرش صلی الله علیه و سلم ما را پند و تذکر می‌دهد که در دین مان غلو نکنیم ، در قرآن کریم می‌فرماید : (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ) [النساء: ۱۷۱] ، (ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید و در باره خدا جز [سخن] درست

مگویید) و پیامبرمان صلی الله علیه و سلم به ما می‌فرماید : " إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فِي الدِّينِ فَإِنَّمَا هَلَكُ مِنْ قَبْلِكُمْ بَغْلُوهُمْ فِي دِينِهِمْ " ، " از غلو در دین پرهیزید ، همانا آنهایی که قبل از شما بودند با غلو در دین شان هلاک شدند " ، یا فرمود : " إِنَّمَا أَهْلَكَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ غْلُوهُمْ فِي دِينِهِمْ " ، " آنهایی که قبل از شما بودند با غلو در دین شان هلاک شدند " .^۸ اگر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم برایمان در مسئله ی سحری خوردن گنجایش قرار داده اند تا جایی که می‌فرماید : " اگر یکی از شما ندا را شنید و ظرف در دستش بود ، آن را بر زمین نگذارد بلکه حاجتش را از آن برآورده کند " ، پس این مخالفت با الله و رسول می‌باشد که انسان به کسی که اذان را می‌شنود و لقمه در دهانش می‌باشد بگوید که : آن را از دهانت بیرون بینداز ، این از سنت نیست بلکه خلاف امر صریح رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌باشد .

و از من سوالات زیادی شده ، اما نمی‌خواهم وقتم را برای اینچنین سوالاتی بگذارم ، پس در پایان سخن می‌گویم که این حدیث در مشهورترین کتب سنت موجود است که ابوداود جزو آنهاست و کتاب سوم از کتب شش گانه می‌باشد ، که نخستین آن صحیح بخاری و کتاب دوم صحیح مسلم و سومین کتاب سنن ابی داود می‌باشد ، این حدیث در آن موجود می‌باشد و همچنین ابوعبدالله حاکم آن را در مستدرک خویش روایت نموده است و همچنین امام سنت امام احمد بن حنبل رحمه الله آن را در کتاب بزرگ خویش به نام مسند احمد آورده است .

پس این حدیث از احادیث غریب نیست و از احادیث مشهور می‌باشد که آن را امامان قدیم سنت و با سند صحیح روایت نموده اند .

و در اینجا در انتهای این سخن می‌گویم که ممکن است نزد برخی از شما سوالی باشد ، به آن جواب می‌دهیم - ان شاء الله - ، سختم را با کلام آن حضرت صلی الله علیه و سلم به پایان می‌برم که می

^۸ شیخ مفهوم روایت را نقل می‌کند و روایت بدین صورت می‌باشد : (إِيَّاكُمْ وَالْغُلُوَّ فِي الدِّينِ ، فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ الْغُلُوَّ فِي الدِّينِ) آن را نسائی (۳۰۵۷) و ابن ماجه (۳۰۲۹) و احمد (۱۸۵۱) آورده اند و آلبانی (سلسله احادیث صحیحه شماره ۱۲۸۳) آن را صحیح دانسته است .

فرماید: " إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى رُخْصَةٌ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تُؤْتَى عَزَائِمُهُ " ، " الله تعالى دوست دارد که مباح هایش انجام گیرد همانگونه که دوست دارد واجباتش انجام بگیرد " ^۹ و در روایتی آمده است: " كَمَا يَكْرَهُ أَنْ تُؤْتَى مَعَاصِيهِ " ، " همانگونه که انجام معصیتش را ناپسند می دارد " .^{۱۰} دو روایت هستند ، الله عز و جل دوست دارد که مباح هایش انجام بگیرد همانگونه که دوست دارد واجباتش انجام بگیرد و در روایت دوم آمده است : همانگونه که انجام معصیت اش را ناپسند می دارد . به همین خاطر شایسته نیست که مسلمان سخت گیری بی مورد انجام بدهد و در آنچه که رسول الله صلی الله علیه و سلم ما را به آن تشویق نموده و به آن اجازه داده است نافرمانی رسول را اختیار کند . و همین مقدار کفایت می کند و الحمد لله رب العالمین .

یکی از حاضرین : جزاکم الله خیرا

شیخ : و ایاکم ... اگر کسی از شما سوال یا اشکالی دارد مطرح کند ، از الله می طلبیم که مرا برای جواب دادن موفق بدارد - ان شاء الله - ... بله .

سوال کننده : آیا دو اذان سنت هستند ؟

شیخ : بله ، گمان می کنم که جواب این سوال در حدیث سابق وجود داشت : " اذان بلال شما را فریب ندهد چون او اذان می گوید تا شخصی که خواب است بیدار شود و شخص سحری خورنده سحری بخورد ، بخورید و بیاشامید تا زمانی که ابن ام مکتوم اذان می گوید " . و او اذان نمی گفت تا زمانی که به او گفته می شد که صبح شده است ، پس دو اذان موجود است ، نه در رمضان بلکه در همه ی ایام سال ، و حکمت اذان اول در خود حدیث کاملا واضح است ، تا شخصی که خواب است بیدار شود و شخص سحری خورنده سحری بخورد ، شخصی که خواب است در همه ی ایام سال بر می خیزد تا در انتهای شب نماز نفل بخواند ، و بر می خیزد تا در روز دوشنبه و پنجشنبه و ایام بیض^{۱۱} و یا روزه شدن به صورت یک روز در میان در همه ی ایام سال ، سحری بخورد چنانکه سنت است . پس مسلمانان به این اذان نخست در همه ی ایام سال نیاز دارند و در بعضی از کشورها عادت است که آنها فقط در رمضان این اذان را می گویند ، و این در واقع کوتاه کردن این سنت وسیع می باشد که همه ی سال را شامل می شود ، پس سزاوار است که مؤذنین در همه ی ایام سال برای نماز صبح دو اذان بگویند ، که میان اذان اول و اذان دوم حدود ده دقیقه تا ربع ساعت فاصله باشد ، آنچه که در بعضی

^۹ بیهقی در السنن الکبری (۵۴۱۵) آن را از ابن عمر - رضی الله عنهما - روایت نموده و آلبانی آن را در صحیح الجامع (۱۸۸۵) صحیح دانسته است .

^{۱۰} احمد (۵۸۶۶ ، ۵۸۷۳) و بیهقی در السنن الکبری (۵۴۱۶) آن را روایت کرده اند و آلبانی آن را در الجامع الصحیح (۱۸۸۶) صحیح دانسته است .

^{۱۱} روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه های قمری را ایام بیض می نامند ، و روزه گرفتن در این روزها سنت می باشد .

احادیث صحیح آمده اینگونه می باشد . پس دو اذان وجود دارد که نه فقط در رمضان بلکه در همه ی ایام سال می باشد .

سوال کننده: شیخ ما ، این سوال به سوال برادرمان ارتباط دارد ، امروزه در اذان دوم (الصلاة خیر من النوم) می گویند ، می خواهیم بدانیم که سنت در این مورد چیست ؟ .

شیخ: این سوال خوبی است ، در سنن نسائی و صحیح ابن خزیمه و دیگر کتب سنت آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به یکی از اصحابش که معروف به ابومحذوره بود اذان را یاد داد ، و همان اذان معروف امروزی می باشد اما با حذف زوائدی از ابتدا و انتهای آن . اذان شرعی با تکبیر شروع می شود و با تهلیل " لا اله الا الله " پایان می یابد . پیامبر صلی الله علیه و سلم به او اینگونه آموزش داد ، اما گفت : اگر اذان اول را گفتم بعد از حی علی الصلاة حی علی الصلاة بگو (الصلاة خیر من النوم) . این همان چیزی است که در زبان شرع به آن تثویب یعنی (الصلاة خیر من النوم) می گویند ، که جای آن در اذان اول می باشد و نه اذان دوم . چون از حدیث قبل فهمیدید که چرا اذان اول برقرار شد ؟ ، برای آن که شخصی که خواب است برخیزد و شخصی که سحری می خورد سحری بخورد ، پس اگر این تثویب (الصلاة خیر من النوم) در اذان دوم قرار بگیرد فائده اش از میان می رود چون مردم در اذان دوم بیدار هستند و خواب نیستند و به همین دلیل سنت نقلی و عقلی (در گفتن الصلاة خیر من النوم) با اذان اول مطابق است نه اذان دوم . از این رو اگر کسی قدرت آن را دارد که این سنت را زنده کند چنانکه در حدیث صحیح آمده است : پاداش وی و پاداش کسی که به آن عمل کند تا روز قیامت نوشته خواهد شد بدون آن که از پاداش هر کدام شان چیزی کم شود .

سوال کننده: اگر اجازه بدهید سوالی در مورد همین سوال و همین موضوع داشتم ...

شیخ: بفرمائید ...

سوال کننده: اگر موذن در اذان اول بیدار نشد ، آیا می تواند در اذان دوم (الصلاة خیر من النوم) بگوید ؟ .

شیخ: نه نمی تواند ، چون باعث می شود که مردم گمان کنند که وقت پایان نیافته است ، حقیقت آن است که در مشروع شدن این دو اذان حکمتی کامل وجود دارد ، و حکمت دیگری نیز موجود است و آن این است که پیامبر صلی الله علیه و سلم برای هر اذان یک موذن قرار داده بود . و حکمت از این کار آن بود که شنوندگان از روی صدای موذن متوجه شوند که این اذان ، اذان اول است یا اذان دوم ، برای تمیز و فرق ، و این نیز از سنت می باشد که سزاوار است زنده شود . اما در جواب سوال تان گفته می شود که باید سنت در مکان خویش باقی بماند ، و مکان (الصلاة خیر من النوم) در اذان اول می باشد .

سوال کننده: در مورد اذان سخن می گوئیم ، به همین صورت ادامه می دهیم ان شاء الله ... حکم آنچه که به اذان اضافه می شود چیست ؟

شیخ: اما در مورد اضافه نمودن بر اذان قبلا سخن گفتیم که : اذان نبوی با " الله اکبر الله اکبر " آغاز می شد و با " لا اله الا الله " پایان می یافت در شهرهای عربی و در واقع در سوره مردم جمله ای استفاده می کنند که مرا به شگفت می آورد ، می گویند : " الزائد أخو الناقص " = " زیادی برادر کمی است " ، و این درست است ، این سخن از سنت گرفته شده است ، آن حضرت صلی الله علیه و سلم می فرماید : **" من أحدث فی أمرنا هَذَا ما لیس منه فهو ردٌ "** ، **" هر کس در این امر چیز جدیدی بیاورد که از آن نیست ، (آن چیز) رد و غیر قابل قبول است "** ^{۱۲} . و احادیث زیادی با همین مضمون موجود است که الحمد لله شما نیز آنها را می دانید . همانگونه که جایز نیست که مسلمان نماز مغرب را چهار رکعت بخواند به همان ترتیب برایش جایز نیست که مغرب را دو رکعت بخواند ، چرا ؟ ؛ " زیادی برادر کمی است " . همانگونه که کم کردن چیزی از دین جایز نیست به همان ترتیب اضافه کردن چیزی بر آن جایز نیست .

و مسئله ای که عجیب است و اکثر مردم از آن غافل هستند این است که همه ی آنها متفق و هم سخن هستند که کم کردن چیزی از عبادت ناپسند است ، هیچ کس جایز نمی داند که مغرب مانند صبح دو رکعت خوانده شود ، اما بسیاری از مردم در مسئله ی اضافه کردن چیزی بر آنچه که رسول صلی الله علیه و سلم در عبادات و طاعات آورده است اشکالی نمی بینند ، همانگونه که ما اکنون در اذان می بینیم . اذان رسول صلی الله علیه و سلم که آن را به ابا محذوره یاد دادند و اذان بلال حبشی و همه ی مؤذنین در همه ی زمان ها نیز به همان یک ترتیب بوده است ، با " الله اکبر الله اکبر " شروع می شده و با " لا اله الا الله " پایان می یافته است . پس چه چیزی اضافه کردن در ابتدای یا انتهای اذان را برایشان جایز قرار داده است ؟ . در این مسئله عقل خودشان را حاکم قرار می دهند و ای کاش عقل هایشان بر اساس فرهنگ صحیح اسلامی می بود .

اگر مثلا به یکی از آنها بگویی که : برادر این است که در اذان به هنگام " لا اله الا الله " توقف کنی و بیش از آن نگویی . به تو می گوید ، برادر : چه اشکالی دارد ؟ ، چه اشکالی دارد ؟ . گوینده این سخن در معنی آیات و احادیث فکر نمی کند . آیه کریمه می گوید : **(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضَيْتُمْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) [المائدة: ۳]** ، (امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم) در آن نقصان و کمی وجود ندارد ، پس چگونه این مسلمان می گوید : برادرم چه اشکالی دارد که من مثلا درود بر رسول الله صلی الله علیه و سلم را بعد از اذانم اضافه کردم .

¹² در صحیحین روایت شده است .

برادرم تامل و تفکر کن ، این سخن به پیامبر خیانت نسبت می دهد ، اگر تو به آن معتقد باشی کافر می شوی و از اسلام خارج می شوی چون پیامبر صلی الله علیه و سلم با نص قرآن مورد خطاب قرار گرفته شده و آنچه را که در این خطاب به او امر شده به انجام رسانده است ، نص مورد نظر این است : (یا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) ([المائدة: ۶۷]) ، (ای پیامبر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است [به مردم] برسان ، و اگر چنین نکنی ، رسالت او را نگزارده ای ، و خداوند تو را از [آسیب] مردمان حفظ می کند) .

و حدیث عائشه رضی الله عنها که آن را در یکی از احادیثش می گوید چه زیباست ، و ایرادی ندارد که همه ی آن را در اینجا ذکر کنم چون در آن فوایدی موجود است و ممکن است بعضی از مردم بر خلاف آنچه که این حدیث می گوید اعتقاد داشته باشند : در صحیح بخاری و صحیح مسلم با سند صحیح از مسروق - که از کبار تابعین است ، مردی فاضل که مسروق خوانده می شد - نزد سیده عائشه رضی الله عنها آمد به او گفت : ای ام المومنین آیا محمد پروردگارش دید ؟ . فرمود : **موهیم از گفته ات سیخ شد** ، گفت : ای ام المومنین به من رحم کن و بر من عجله مکن ، آیا الله تبارک و تعالی در قرآن کریم نمی فرماید : (**وَلَقَدْ رَأَوْهُ نَزْلَةً أُخْرَى**) [النجم: ۱۳] ، (و بار دیگر او را دید) گفت : " من آگاه ترین شخص به این مسئله هستم ، از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیدم که می فرمود : دو بار جبریل را در صورت واقعی اش دیدم و ششصد بال داشت و افق را پوشانده بود " .

پس عائشه برای مسروق آیه را تفسیر نمود همان آیه ای که مسروق تصور می کرد که بدین معناست که محمد صلی الله علیه و سلم پروردگارش را دیده است و عائشه به او گفت که اینچنین نیست و من آگاه ترین مردم به آن هستم ، از رسول الله صلی الله علیه و سلم در مورد این آیه پرسیدم فرمودند : دو بار جبریل را در صورت واقعی اش دیدم ، ششصد بال داشت و افق را پوشانده بود .

سپس سیده عائشه رضی الله عنها سخنش را ادامه داد و فرمود : سه مورد هستند که اگر کسی به تو آن سه مورد را گفت بر الله افترای بزرگی بسته است ، هر کسی که به شما گفت که محمد صلی الله علیه و سلم پروردگارش را دیده است بر الله افترای بزرگی بسته است ، کلام الهی را بخوانید : (**وَمَا كَانَ لَبِشْرٍ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ**) [الشوری: ۵۱] ، (و هیچ بشری را نرسد که خداوند با او سخن گوید مگر از راه وحی ، یا از پشت پرده ای) . پس هنگامی که رسول الله صلی الله علیه و سلم به آسمانها برده شد ، پروردگارش را ندید ، چون هنگامی که بر وی نمازهای پنج گانه فرض شد و با الله تعالی در این مورد سخن گفت ، از پشت حجاب سخن می گفت و این یکی از معانی این آیه می باشد : " **وَمَا كَانَ لَبِشْرٍ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا** " ، " و هیچ بشری را نرسد که خداوند با او سخن گوید مگر از راه وحی " - به واسطه ی جبریل علیه السلام " **أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يَرْسِلَ رَسُولًا** " ، " یا از فراسوی حجابی یا فرستاده ای بفرستد " به سوی بشر . پس سیده عائشه شهادت می دهد که برای انسان میسر

نیست که پروردگارش را در دنیا ببیند، هر کس به شما خبر دهد که محمد صلی الله علیه و سلم پروردگارش را دیده است بر پروردگار افترای بزرگی بسته است. سپس این آیه را خواند: (وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ) [الشوری: ۵۱]، (و هیچ بشری را نرسد که خداوند با او سخن گوید مگر از راه وحی، یا از پشت پرده‌ای).

سپس فرمود: و هر کس که به شما بگوید که محمد صلی الله علیه و آله و سلم غیب می دانسته است بر الله افترای بزرگی بسته است، سپس این آیه را تلاوت نمود: (قُلْ لَأَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْعَيْبَ إِلَّا اللَّهُ) [النمل: ۶۵]، (بگو هیچ کس جز خداوند در آسمان و زمین غیب نمی داند). سپس فرمود - و این مطلب مورد نظر ما می باشد - و هر کس که به شما بگوید که محمد - صلی الله علیه و سلم - مسئله ای را که به تبلیغ آن امر شده بود پنهان داشته بر الله افترای بزرگی بسته است، سپس کلام الهی را تلاوت نمود: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) [المائدة: ۶۷]، (ای پیامبر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است [به مردم] برسان، و اگر چنین نکنی، رسالت او را نگزارده‌ای، و خداوند تو را از [آسیب] مردمان حفظ می کند).

سپس فرمود: اگر محمد - صلی الله علیه و سلم - مسئله ای را که به تبلیغ آن امر شده بود پنهان می داشت آن گاه این کلام الهی را پنهان می داشت: (وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ) [الأحزاب: ۳۷]، (و آنگاه که به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی می گفתי همسرت را پیش خود نگاه دار و تقوای الهی را پیشه کن و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود در دل خود پنهان می کردی و از مردم می ترسیدی با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او [ترسی]).^{۱۳} اگر پیامبر چیزی را پنهان می داشت این معاتبه ی پروردگار را پنهان می داشت اما رسول الله بر اساس آیه سابق عمل نموده است: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) [المائدة: ۶۷]، (ای پیامبر آنچه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است [به مردم] برسان، و اگر چنین نکنی، رسالت او را نگزارده‌ای، و خداوند تو را از [آسیب] مردمان حفظ می کند).

پس رسول الله علیه السلام همه ی اسلام را کاملاً رسانده و حتی یک حرف هم برای کسی باقی نمانده تا بر آن اضافه کند. پس اگر پیامبر به مودنین زمان خودش یاد داد که اذان با "الله اکبر الله اکبر" آغاز

¹³ این روایت به صورت بسیار مختصر در صحیح بخاری (۳۲۳۴) آمده است و شکل مفصل آن در مسلم آمده است، به جز قسمتی از سخن عائشه - رضی الله عنها - (اگر محمد صلی الله علیه و سلم مسئله ای را که به تبلیغ آن امر شده بود پنهان می داشت آن گاه این کلام الهی را پنهان می داشت ...) که این بخش در صحیح مسلم نیامده است و نووی در شرح خویش بر مسلم این بخش را با سند ذکر می نماید.

می شود و با " لا اله الا الله " پایان می یابد پس سخن کسی که می گوید " زیادی برادر کمی است " صحیح می باشد. پس ابدًا جایز نیست که چیزی به دین اضافه شود چون دین کامل گشته و چه زیباست کلمات ابن عمر در تفسیر حدیث معروف کل بدعه ضلاله که بدین صورت است: **هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است**^{۱۴}، اما ابن عمر جمله ای اضافه می کند که آن را یک جمله ی تفسیری به حساب می آوریم، گفت: **هر بدعتی گمراهی است، اگر چه مردم آن را نیک تصور کنند**.^{۱۵} و این واقعیت امروز می باشد، همانطور که قبلاً گفتم، اگر بگویی این کار را انجام نده، به تو می گوید: چه ایرادی دارد؟. برادرم ایرادش این است که تو بر سخن پیامبر چیزی اضافه کردی، آیا این کافی نیست؟، کافی است و بخشی از آن برای گمراهی و دور شدن از سنت کفایت می کند.

پس از الله عز و جل می خواهیم که همه ی ما را بر سنت زنده بدارد و بر آن بمیراند ان شاء الله تبارک و تعالی.

سوال کننده: در گروهی از مسلمانان روزه دار، برخی قبل از اذان افطار می کنند و گروهی با اذان، حکم این دو گروه چیست؟.

شیخ: انگار با ما نبودی - بارک الله فیک - ...

سوال کننده: من تمام مدت بودم، اما شما از اذان سحر سخن گفتید.

شیخ: و درباره ی اذان مغرب هم سخن گفتیم و از عجله نمودن بر افطار و عجله نمودن برای نماز و از رسول الله صلی الله علیه و سلم روایت نمودیم که: **" لا تزال أمتی بخیر ما عجلوا الفطر "** **اتمم بر خیر خواهد بود تا زمانی که در افطار عجله کنند.**

و ذکر نمودیم که رسول الله صلی الله علیه و سلم در سفر به یکی از اصحابش فرمود که برای من افطار را آماده کن، گفت ای رسول الله روز در جلوی تان است، فرمود آماده کن، این صحابی می گوید: اگر یکی از ما با شترش می رفت خورشید را می دید، یعنی افطار فوراً بعد از غروب آفتاب می باشد و همچنین حدیثی ذکر کردم که آن را باید مانند فاتحه حفظ کنیم که کلام رسول الله علیه الصلاة و السلام می باشد: **" إِذَا أَقْبَلَ اللَّيْلُ مِنْ هَاهُنَا ، وَأَدْبَرَ النَّهَارُ مِنْ هَاهُنَا ، وَغَرَبَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ أَفْطَرَ الصَّائِمُ "** **" هر گاه شب از این سو آمد و روز از این سو رفت و خورشید غروب کرد، روزه دار افطار کند "**

سوال کننده: شخص با عده ای می باشد و همه ی این عده از افطار کردن خودداری می کنند، آیا می تواند افطار کند؟ و چگونه می تواند بفهمد که شب در حال آمدن است و روز در حال رفتن؟.

¹⁴ نسائی (۱۵۷۸) آن را روایت نموده است.

¹⁵ محمد بن نصر المروزی در کتاب السنه خویش روایت شماره ی ۸۲ آن را با سند صحیح روایت کرده است.

شیخ: بارک الله فیک ، کلام آن حضرت صلی الله علیه و سلم را ذکر نمودیم که هر کس در اسلام سنت نیکی بیاورد ... ، این شخصی که می داند که وقت افطار آمده است و اضافه بر آن وی می داند که سنت آن است که برای افطار عجله شود ، پس اگر جلوی این مردم لیوان را بردارد و بنوشد و خرما بردارد و بخورد ، آیا این کار سنت نیک است یا سنت بد ؟ .

سوال کننده: طبعاً سنت نیک .

شیخ: بله بارک الله فیک .

سوال کننده: آنها می گویند که سنت ما سنت نیک است ، ما منتظر اذان می مانیم تا زمانی که اذان

گفته شود ، پس سنت ما سنت نیک است ...

شیخ: این یک بحث دیگر است ، اگر اذانی که این افراد منتظر آن هستند سر وقت می باشد ، پس بر

هیچ کس جایز نیست که قبل از اذان چیزی بخورد ، اما سخن ما درباره ی اذان امروزی می باشد - و

گمان می کنم این قسمت از سخنم را شنیدی - امروزه ده دقیقه بعد از غروب آفتاب اذان گفته می

شود ...

سوال کننده: شخص از اذان امروزی سخن می گوید نه اذان زمان پیامبر .

شیخ: پس سنت این نیست ، کسی که منتظر اذان می ماند با سنت مخالفت می کند ...

سوال کننده: وقتی موذن اذان می گوید فجر صادق طلوع نکرده و من همیشه با اذان بیدار می شوم و

هنوز شب است ، آیا برایم جایز است که بخورم ...

شیخ: بخور و این سنت است .

سوال کننده: بخورم در حالی که بعد از اذان بیدار شده ام ؟

شیخ: بله بدون شک ، این سنت است .

شیخ: اما باید عده ای مراقب فجر باشند .

سوال کننده: من به کرانه نگاه می کنم و فجر نمی بینم .

شیخ: الله اکبر .